

شاه

نقش شگفت‌انگیز تعلیم و تربیت در زندگی انسان بر هیچ خردمندی پوشیده نیست؛ زیرا تعلیم و تربیت صحیح می‌تواند فرد را به اوج ارزش‌ها برساند و اگر غلط باشد، وی را به سقوط بکشاند.

چکیده

مقاله‌ای حاضر بر آن است که ویژگی‌های عصر کنونی هدایت جنسی کودکان و نوجوانان را مطرح کند. تلاش بر آن است که این مختصر بتواند گامی مفید و مؤثر در تحلیل صادقانه‌ی اوضاع و شرایط تربیت جنسی کودکان و نوجوانان بردارد و راهبردهای ارائه شده در آن کمک مؤثری به این ارزشمندترین سرمایه‌های کشور، یعنی

جوانان و نوجوانان عزیز، باشد.

تربیت جنسی باید در یک برنامه‌ریزی زمان‌بندی شده، متناسب با مقتضیات سنی و به پیروی از عقل و مبتنی بر شناخت نیازها و قابلیت‌های افراد صورت گیرد. عدم توجه به شرایط سنی و ذهنی در هر مرحله از رشد، و طرح شتاب‌زده‌ی مسائل جنسی می‌تواند آسیب‌زا باشد و ناهنجاری‌هایی را به وجود آورد که با فلسفه‌ی تربیت و رشد ناسازگارند. همچنین، بر صاحب‌نظران حوزه‌ی تربیتی و دینی، و مشاوران است که با توجه به مقتضیات سنی و زمانی، راهکارهایی مناسب در این زمینه ارائه دهند.

کلیدواژه‌ها: تربیت جنسی، هویت جنسی،

تربیت دینی، مشاوران، خانواده، نوجوانان.

مقدمه

دین مبین اسلام بعثت رسولان را برای تربیت معرفی می‌کند و برای همه‌ی مراحل و مقاطع زندگی دستورهای ویژه‌ای دارد تا انسان به بهترین وجه تعلیم داده شود و برای مراتب عالی زندگی پرورش پیدا کند (اسلامیه، ۱۳۸۵).

جهان در آغاز هزاره‌ی سوم با شتابی تصاعدی شاهد شکل‌گیری تحولات و دگرگونی‌های عمیق در بسیاری از ابعاد است. این نوع‌شدن، تنها در ابزار، روش و برنامه‌ی نو نیست بلکه اندیشه و نگرش انسان به خود و جهان اطراف را نیز

اثر بخشی خانواده در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان

زهرا حسینی، کارشناس علوم تربیتی آموزش و پرورش ناحیه‌ی یک کرمانشاه
سعید عسکری، استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی



دربرمی‌گیرد. ماهیت پیچیده و سرعت تحولات جهانی نشان می‌دهد که شتاب فزاینده‌ی این نو شدن با دهه‌های قبل قابل مقایسه نیست.

این شتاب تصاعدی نه تنها در تغییرات ابزاری و فناوری بلکه حتی در ماهیت انسانی نیز رخ داده است و این تغییرات سبب پیدایش تحولات تازه در نظام تعلیم و تربیت می‌شود اما سؤال اساسی این است که نهادهای تربیتی ما، متولیان امر تعلیم و تربیت (رسمی و غیررسمی) تا چه اندازه برای رویارویی با این تغییر و تحولات آمادگی دارند؟ خانواده‌های ما به عنوان یکی از ارکان اصلی تعلیم و تربیت تا چه میزان رویارویی منطقی و اصولی با این تحولات را می‌پذیرند؟ (جعفری، ۱۳۸۴).

در زمان حاضر، در کشور ما متوسط سن بلوغ کاهش یافته و سن ازدواج در حال افزایش است. هم‌چنین، عقاید سنتی در حال تغییرند و کاهش نفوذ و تأثیر خانواده، رواج شهرنشینی، مهاجرت، توسعه‌ی گردش‌گری و ارتباطات جمعی در مجموع تغییرات وسیعی در رفتار جنسی و اجتماعی به وجود آورده است؛ در نتیجه، نوجوانان امروزی بیش از گذشته در معرض ارتباط جنسی زودرس قرار دارند (امامی نائینی، ۱۳۸۶).

اگر باور داشته باشیم که بسیاری از کج‌روی‌ها و کج‌رفتاری‌های ناپسند جوانان و نوجوانان واکنشی است به کنش‌های ناسالمی که از سوی خود ما ظاهر شده است و در یک کلام، اگر بتوانیم تربیت «طربناک» را جایگزین تربیت «سوگناک» کنیم، آن‌گاه فرصت بروز هیجانات و زمینه‌ی تخلیه‌ی تنش‌ها و فشارهای روانی به فرزندان در قالب فعالیت‌های خودانگیخته فراهم می‌شود ماجراجویی و لذت‌طلبی نوجوانان به جای

سرکوب، به شکل سالم و هدایت شده تعالی می‌یابد؛ هیجان‌ها و لذت‌طلبی‌ها و ماجراجویی‌ها در قالب ارزش‌ها، هنجارها، باورها و اعتقادات سازنده‌ی دینی و معنوی جهت داده می‌شوند؛ عشق مجازی به عشق حقیقی، لذت مادی به لذت معنوی، خطرپذیری به ایثارگری، خودخواهی به خودشکوفایی، غریزه‌ی جنسی به عشق متعالی، و گستاخی به حق‌طلبی در نسل آینده تبدیل خواهند شد.

طرز تلقی ما از تربیت جنسی در بیشتر جنبه‌ها با اندیشه‌ی غرب کاملاً متفاوت است. غرض ما از تربیت جنسی، پرورش و تعدیل و جهت‌دهی است نه پروردن و اوج دادن؛ برای نمونه، ما وجود شرم و حیا در زمینه‌ی تربیت جنسی را یک اصل انسانی می‌دانیم و با آزادی و بی‌بندباری در زمینه‌ی جنسی کاملاً مخالفیم (فرمehنی فرهانی، ۱۳۸۲).

اهمیت تربیت جنسی
غریزه‌ی جنسی یکی از گرایز پر قدرت

دین مبین اسلام بعثت رسولان را برای تربیت معرفی می‌کند و برای همه‌ی مراحل و مقاطع زندگی دستورهای ویژه‌ای دارد تا انسان به بهترین وجه تعلیم داده شود و برای مراتب عالی زندگی پرورش پیدا کند



بشر است که اگر برای مهار و هدایت آن به موقع اقدام نشود و از راه صحیح تعدیل نگردد، زمام اختیار آدمی را به دست خواهد گرفت و چون طوفانی سرکش، او را به منجلاب و فساد و تباهی خواهد کشاند (علی مردانی، ۱۳۸۶).

گریزه‌ی جنسی از لحظه‌ی تولد در نهاد فرد وجود دارد. ارضای گریزه‌ی جنسی بر اثر لذتی که به دنبال دارد، کودک و نوجوان را به خود مشغول می‌دارد. تلاش برای ارضای درست و مناسب این گریزه نه تنها مذموم نیست بلکه بسیار نیکو و پسندیده نیز هست اما باید از طریق آموزش صحیح، کنترل و هدایت شود.

تربیت جنسی امری تدریجی و مرحله‌ای است که باید بر اساس ویژگی‌های کودکان و نوجوانان صورت گیرد. استعدادهای انسان بر اساس توانایی‌هایش و با حرکتی تدریجی، در جهت کمال مطلق شکوفا می‌شود.

در تربیت جنسی، صرف ارائه‌ی اطلاعات کفایت نمی‌کند بلکه رفتار و نگرش والدین نسبت به امور جنسی در اثربخشی و کارآمدی آموزش اهمیت به‌سزایی دارد (قائمی، ۱۳۲۸).

تربیت جنسی در دوره‌ی کودکی (پیش دبستانی و ابتدایی)

مهم‌ترین موضوعاتی که باید در تربیت جنسی کودکان در این دوره رعایت شود، عبارت‌اند از:

۱. ایجاد عادت‌های مطلوب جنسی یا در واقع، پیش‌گیری از عادت‌های نامطلوب جنسی
۲. دادن پاسخ متناسب و در خور فهم کودکان به پرسش‌های جنسی آن‌ها
۳. کمک به شکل‌گیری هویت جنسی متناسب با جنسیت کودک
۴. پیش‌گیری از بیداری جنسی

پیش از موقع

این مرحله از رشد (دوره‌ی ابتدایی) مرحله‌ی ادب کردن و آموزش مقدمات لازم برای ورود به دنیای بلوغ است. نقش اصلی تربیت جنسی در دوران کودکی و ایجاد عادت‌های مناسب به عهده‌ی پدر و مادر است. آن‌ها باید خود آموزش‌های لازم و روشن در زمینه‌ی تربیت جنسی را دریافت کنند و به آن‌ها کمک شود تا برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های جنسی و زیستی فرزندان‌شان از طریق مراجعه به کتاب‌های مناسب و متون مذهبی آمادگی یابند.

کودک در ۳ تا ۵ سالگی نسبت به خصوصیات جسمانی خود و تفاوت‌های جنسی دختر و پسر کنجکاو است و کنجکاوی او صرفاً جنبه‌ی شناختی و کشف دارد. نوع پرسش‌های کودک معمولاً در مورد آفرینش خود، کیفیت پیدایش و چگونگی به دنیا آمدن خود است، سؤال‌هایی از قبیل «مرا از کجا آوردی» و «توزاد از کجا می‌آید» و «من کجا بوده‌ام». این سؤال‌های آنان طبیعی و عادی است. دید کودک درباره‌ی بدن خود و هم‌سالان، مانند دید والدین نیست؛ از این‌رو در پاسخ به این پرسش‌ها هم همواره باید به این نکته توجه داشت که روند آموزشی کودک باید تدریجی باشد و نباید همه‌ی جزئیات را یک‌باره در اختیار او گذاشت. پاسخ پرسش‌ها باید کوتاه و ساده باشد (وحدی، ۱۳۸۰).

در ۵-۶ سالگی فعالیت هورمون‌های جنسی کم است؛ در ۷ سالگی، پسران نسبت به دختران ابراز علاقه می‌کنند اما این ابراز علاقه جنبه‌ی دوستی دارد نه جنبه‌ی جنسی. گاهی کودکان به هنگام استحمام، توالیت یا تعویض لباس به بدن خود نگاه می‌کنند یا برای کنجکاوی آلت تناسلی خود را دست‌کاری می‌کنند. این رفتار گاهی به جهت مشکلات جنسی (خشکی پوست آلت یا خارش یا سوزش

آن) است. در مواردی اضطراب، باعث این رفتار می‌شود و از این راه، کودک کسب آرامش می‌کند. به‌طور کلی، این رفتار هنگام استحمام، بازیگوشی، خستگی، بی‌حوصلگی، هنگام حرکت در خودرو، و هنگام مطالعه (در سنین تحصیل) بیش‌تر وجود دارد. در این‌گونه موارد، والدین باید خون‌سردی خود را حفظ کنند و کودک را از این‌گونه رفتار بازدارند.

یکی از مسائلی که پدر و مادر در شکل‌گیری آن نقش مؤثری دارند، «هویت جنسی»^۱ است. هویت جنسی مفهومی است که فرد از خود به عنوان یک مرد یا زن دارد. در واقع، تصویری که هر فرد از زن یا مرد بودن خود دارد و برداشت او از این‌که زن یا مرد چگونه است، هویت او را می‌سازد.

در واقع، هویت جنسی با نقش جنسی ارتباط نزدیک دارد. مرد و زن هر کدام نقشی دارد و این‌ها هنجارهای جامعه است که مشخص می‌کند زن یا مرد، در انجام دادن چه کارهایی مجاز و در چه کارهایی غیرمجازند؛ در این زمینه، والدین نیز نقش «الگویی» دارند؛ باید احترام به زن را به نوجوان پسر آموخت و هم‌زمان با آن، احترام به مرد را نیز به دختران آموزش داد.

بررسی‌های علمی نشان داده‌اند که بیداری نا به‌هنگام جنسی، زمینه‌ساز بروز پاره‌ای از هوس‌های نادرست، عادت‌های نامناسب و انحراف‌آمیزی چون خودارضایی، قرار دادن خود در معرض سوء استفاده‌های جنسی، و بالاخره، توسعه‌ی مفاسد و آلودگی‌هاست؛ از این‌رو، باید از پیش‌رسی بیداری جنسی کودکان جلوگیری کرد. این سخن بدان معنا نیست که کودک را در مورد اعضای وجودی‌اش غافل و جاهل نگه داریم بلکه غرض این است که به زور تصنع و تحریک، بیداری غریز و به دنبال آن،

هوس و شهوت را در او پدید نیاوریم (فرمehنی فراهانی، ۱۳۸۷).

دوره‌ی پنج‌ساله‌ی دبستان، دوره‌ای حساس و از نظر تثبیت شخصیت اخلاقی و تربیتی، مهم و سرنوشت‌ساز است. این دوره، دوره‌ی فراگیری آموزش‌های زیربنایی و اساسی، پایه‌گذاری عادت‌ها، روابط کودک با دیگران، و آغاز پیدایش پاره‌ای از لغزش‌ها و انحرافات است. اگر به روایت‌های اسلامی که در مورد مراحل مختلف رشد آمده است، دقت کنیم، در می‌یابیم که مراحل رشد به سه بخش یا سه هفت سال تقسیم شده‌اند؛ برای نمونه، امام صادق(ع) می‌فرماید: «جازه دهید فرزندان تا هفت‌سالگی بازی کنند، هفت سال بعد تحت تأدیب قرار گیرد و در هفت سال سوم، ملازم شما باشد» (قائم، ۱۳۷۷).

بسیاری از روان‌شناسان ۷ تا ۱۲ سالگی را «سن نهفتگی» یا «اختفای جنسی» معرفی کرده‌اند؛ بنابراین، برنامه‌ی تربیت جنسی هم باید با این نهفتگی هماهنگ باشد. اطلاعات نباید به گونه‌ای باشد که باعث بیداری زود رس جنسی گردد. تردیدی نیست که مدرسه در رابطه با تربیت، به‌ویژه تربیت جنسی، نقش مکمل را دارد و مسئولیت اصلی تربیت جنسی کودک و نوجوان به عهده‌ی پدر و مادر است. نکته‌ای که معلمان و والدین باید در این سنین به آن توجه داشته باشند، این است که دختران از نظر جنسی نسبت به پسران آسیب‌پذیرترند؛ زیرا از این‌که سن بلوغ در آن‌ها پایین‌تر از سن بلوغ در پسران است. دختران معمولاً در سن بلوغ از آگاهی‌ها و تعلیمات جنسی لازم بی‌بهره‌اند؛ بنابراین، ممکن است به آسانی در دام انحراف جنسی بیفتند (فرمehنی فراهانی، ۱۳۸۷).

تربیت جنسی در دوره‌ی نوجوانی (راهنمایی و دبیرستان)

در دوره‌ی نوجوانی، تأثیرات نیرومند احساسات مربوط به تمایلات جنسی، جای بسیاری از تصورات و مفاهیم ذهنی را می‌گیرد. بدون تردید، واقع‌ی بلوغ از مهم‌ترین روی‌داده‌ها، و نوجوانی از حساس‌ترین مراحل زندگی انسان است. نوجوانی دوران پرتلاطمی است که تغییرات جسمانی، جنسی، روانی و اجتماعی را به همراه دارد. در ۱۱-۱۰ سالگی نوجوان درباره‌ی خصوصیات خود، مسائل زندگی زناشویی، و ارتباط با جنس مخالف کنجکاو است. در این دوره، آثار دل‌بستگی جنسی در رفتار او آشکارا منعکس می‌شود؛ طبیعت نوجوانان در دوره‌ی بلوغ جنسی تغییر می‌یابد؛ آن‌ها بیش‌تر عصبانی و سرکش می‌شوند. این تغییرات با ظهور میل جنسی - اعم از امیال ارضا شده یا نشده - در برخی از آن‌ها آشکار می‌گردد (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۶). معمولاً دختران در ۱۱-۱۰ سالگی و پسران در ۱۲ تا ۱۴ سالگی به سن بلوغ می‌رسند. بلوغ در دختران با عادت ماهانه و در پسران با رویاهای منتهی به انزال همراه است. لازم است آموزش‌ها از سنین پایین‌تر، یعنی از ۹-۱۰ سالگی، شروع شود تا هنگام برخورد با پدیده‌ی بلوغ و دوران قاعدگی برای دختران نکته‌ی مبهمی وجود نداشته باشد؛ زیرا آنان در مورد تغییرات جنسی و علایم خلقی، روانی و اجتماعی بلوغ، اطلاعات بسیار کمی دارند و این امر در مورد علایم روانی و تحول رفتاری محسوس‌تر است.

بیش‌تر والدین از آشفتگی دوران بلوغ آگاه‌اند و این دوران را با احساساتی متناقض مانند بهترین زمان یا بدترین زمان، سن دانایی یا سن نادانی، بهار امید یا زمستان ناامیدی به‌خاطر می‌آورند.

البته همه‌ی این احساسات حاکی از فراز و نشیب‌های روح نوجوان است؛ او گاهی شاداب، خوش‌حال و سرزنده و گاهی پژمرده، اندوهگین و ساکت است.

مهم‌ترین ویژگی نوجوان، استقلال طلبی است. او دوست دارد انتخاب‌گر باشد، مورد تأیید دیگران، به‌خصوص هم‌سالانش، قرار گیرد، در برابر زورگویی و تحکم سر به شورش بر می‌دارد، و می‌کوشد در انتخاب دوست بر هم‌سالانش پیشی جوید (قائم، ۱۳۷۷).

در تربیت جنسی، صرف ارائه‌ی اطلاعات کفایت نمی‌کند بلکه رفتار و نگرش والدین نسبت به امور جنسی در اثربخشی و کارآمدی آموزش اهمیت به‌سزایی دارد

دوست‌های هادر سنین مختلف

- * بین ۴ تا ۸ سالگی دوستی‌ها عمیق نیست بلکه ارتباطی یک‌طرفه است.
- * بین ۱۰ تا ۱۴ سالگی افراد از دوستان خود تأثیر می‌پذیرند.
- * پس از ۱۴ سالگی وارد مرحله‌ی صمیمیت و دوستی پایدار و احساس وابستگی خاصی می‌شوند.
- * عمیق‌ترین و با دوام‌ترین دوستی‌ها بین ۱۴ تا ۲۰ سالگی است.

توجه به اهمیت حیاتی دوران نوجوانی در زندگی فرد به‌ویژه از نظر تربیتی، ضروری است. دختران نوجوان باید به دختر بودن و حفظ شرافت و پاکی خود افتخار کنند. مادر باید راه‌کارهای

مربوط به بهداشت آلت تناسلی در هنگام بلوغ جنسی را به دخترش توضیح دهد. پسران نوجوان هم به عفت، پاکی، نزاکت و ادب، به‌ویژه در رابطه با دختران، نیاز دارند؛ از این‌رو، پدر باید بتواند به‌طور صحیح بر پسر نوجوانش تأثیر بگذارد، آگاهانه اعمال و رفتار او، خواه بد و خواه خوب، را زیر نظر داشته باشد و با پسر نوجوان خود درباره‌ی تغییراتی چون احتلام، تغییر صدا و غیره گفت‌وگو کند. آگاه کردن والدین و آموزش دادن به آن‌ها به افزایش اطلاعات، بهبود نگرش و ارتقای عملکردشان منجر می‌شود و در آنان نگرشی مثبت نسبت به پدیده‌ی بلوغ و قبول تغییرات فیزیولوژیک ایجاد می‌کند. این امر در نهایت، باعث رفع

بسیاری از روان‌شناسان ۷ تا ۱۲ سالگی را «سن نهفتگی» یا «اختفای جنسی» معرفی کرده‌اند؛ بنابراین، برنامه‌ی تربیت جنسی هم باید با این نهفتگی هماهنگ باشد

نگرانی‌ها، تقویت حس اعتماد به‌نفس، و احترام به خویش‌تن می‌شود. ناآگاهی از مسائل جنسی می‌تواند سرچشمه‌ی تنیدگی‌ها، اضطراب‌ها، تنش‌های روانی و افسردگی باشد. برخی از جوانان و نوجوانان برای غلبه بر این‌گونه حالت‌های نامطلوب روانی به سوء مصرف الکل و مواد مخدر روی می‌آورند و عملاً سال‌ها و حتی تا پایان عمر در دام اعتیاد گرفتار می‌مانند.

بحث و نتیجه‌گیری

در بیش‌تر کشورهای در حال توسعه، برنامه‌ها و سیاست‌های منسجم و مدونی برای حفظ صیانت و تربیت جنسی نوجوانان وجود ندارد. در میان انبوه مشکلاتی که

نوجوانان امروز با آن روبه‌رو هستند، تربیت جنسی اهمیت ویژه‌ای دارد. باید اعتراف کرد که این مشکل با ماشینی شدن هرچه بیش‌تر زندگی، افزایش مدت تحصیل، راه یافتن تجمل به اغلب خانواده‌ها، و تزلزل پایه‌های اعتماد دختران و پسران به یک‌دیگر ابعاد گسترده‌تر و پیچیده‌تری به خود گرفته است. بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از طغیان تمایلات جنسی است که سبب برهم خوردن نظم اجتماعی و به‌خطر افتادن سلامت جامعه می‌شود (جعفری، ۱۳۸۴).

از نظر اسلام تنها راه ارضای طبیعی و فطری غریزه‌ی جنسی، ازدواج است. برخلاف تصور بعضی‌ها که پیوند زناشویی را تنها در خدمت ارضای خواهش‌های نفسانی می‌دانند، اسلام از این سنت بزرگ الهی و اجتماعی، گذشته از تأمین خواسته‌ها، اهداف مهم و ارزشمندی را مدنظر دارد. ادیان الهی همواره به مردم سفارش کرده‌اند که نیازهای فطری را از راه طبیعی و مشروع برطرف کنند و از افراط و تفریط بپرهیزند. دین مبین اسلام نیز بر اساس توجهی که به نیازهای فطری انسان دارد، برای ارضای صحیح آن‌ها مقررات مناسبی وضع کرده و راه‌هایی منطقی در این زمینه نشان داده است. ازدواج از نظر اسلام، تنها راه تعدیل غریزه‌ی جنسی است و استفاده از آن سعادت انسان را در پی خواهد داشت (علی مردانی، ۱۳۶۸).

زنان و مردان جوان، والدین فعلی یا والدین نسل آینده هستند که باید به آن‌ها فرصت داده شود تا ظرفیت خود را در جهت سلامت کامل توسعه دهند، نحوه‌ی پرورش فرزندان سالم را بیاموزند و از خطرهای ناشی از شروع زودرس فعالیت‌های جنسی برای خود و جامعه آگاه شوند و از آن بپرهیزند. اهمیت این امر به دلیل حجم بالای جمعیت جوان،

چشم‌گیر است (امامی نائینی، ۱۳۸۶). مربیان و مشاوران و والدین باید با توجه به توانایی و قابلیت مخاطبان و فرزندان خود، تکالیف جنسی را معین کنند. توصیه‌هایی که والدین به فرزندان‌شان (چه دختر چه پسر) می‌کنند، باید در بردارنده‌ی اطلاعاتی در زمینه‌ی روابط انسانی، هویت جنسی، رعایت مسائل بهداشتی، مهارت‌های زندگی، ارزش‌ها و خلاقیت‌های انسانی، بیان احساسات، نیازها، تصمیم‌گیری‌های مسئولانه، و افزایش عزت نفس آنان باشد (سلحشور، ۱۳۸۴).

منابع

- ۱- ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۳)؛ تربیت دینی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۲- اسلامی، حمیدرضا (۱۳۸۵)؛ نگاهی به تعلیم و تربیت در سیره‌ی نبوی، تهران، سازمان بسیج فرهنگیان، مرکز علمی فرهنگی جنت.
- ۳- امامی نائینی، مهرگان (۱۳۸۶)؛ آموزش مسائل جنسی به کودکان و نوجوانان، نشریه‌ی طبیب مردم، ص ۳۰.
- ۴- اوحدی، بهنام (۱۳۸۰)؛ تمایلات و رفتارهای جنسی انسان، تهران، ناشر: مؤلف، چاپ دوم.
- ۵- جعفری ابراهیم (۱۳۸۴)؛ تحولات جهانی آینده، بیم‌ها و امیدها در کانون خانواده، نشریه‌ی نگاه، آبان‌ماه، ص ۶.
- ۶- دهنوی، حسین (۱۳۸۶)؛ نسیم‌مهر (۲)، ناشر: انتشارات خادم‌الرضا (ع)، چاپ نهم، ص ۱۵۸-۱۵۷.
- ۷- فرمپنی فراهانی، م. (۱۳۸۷)؛ نگاهی گذرا بر تربیت جنسی در مقاطع مختلف تحصیلی، سلامت روان، ۱، ۲۸-۱۹.
- ۸- قائمی، علی (۱۳۷۷)؛ تربیت جنسی، تهران، انتشارات رشد.
- ۹- قائمی، علی (۱۳۷۸)؛ هدایت جنسی و مسائل مربوط به ازدواج، از مقالات ارائه شده در کتاب پنجم آموزش خانواده، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ سوم.
- ۱۰- سلحشور، م. (۱۳۸۴)؛ اهمیت تربیت جنسی در کودکان و نوجوانان در خانواده، نشریه‌ی پیوند، شماره‌ی ۳، ص ۴۰.
- ۱۱- علی مردانی، ع. (۱۳۸۶)؛ ازدواج سنت نبوی، شمیم معرفت، شماره‌ی ۱۲.
- ۱۲- دُیس، موریس (۱۳۷۴)؛ مراحل تربیت (علی محمد کاردان، مترجم)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم.
- ۱۳- نوایی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۶)؛ رفتارهای بهنجار و نابهنجار، تهران، انجمن اولیا و مربیان.